

رسانه کارگردانان

موفقیت و شکست



علیرضا محمودی



عکس: عطاالله طاهر کناره

علی حاتمی ستایش شده ترین و دست نخورده ترین کارنامه سینمایی در ادبیات سینمایی فارسی را دارد. مرگ دراماتیک و تشییع باشکوه علی حاتمی و ستایش فراوانی که به ناگاه نصیب کارنامه اش شد، مانند تولدی دوباره برای سازنده فیلم‌هایی بود که هرگز جدی گرفته نمی‌شد. در تمام دوران زندگی حاتمی، نوشتن درباره فیلم‌ها و سریال‌هایش اغلب بهانه‌ای برای توصیف از دست رفتگی سینمایی، شلختگی ساختاری و شاعرانگی حوصله سرب بودند. شلیفتگی به تاریخ و افسانه ایرانی دلیل موجهی برای تحمل این همه شنیدایی روایی و پراکندگی تصویری و وسواس صحنه آرایی نمی‌شد. پس از مرگ حاتمی انگار احترام جای انتقاد را گرفت و همه اتهامات به محسنات تبدیل شد. انگار فیلم‌ها برای درک شدن نیازمند عبور از زمان پخش و اکران و محتاج مرگ کارگردان‌ها هستند. اما چه در حملات بی دریغ و بی محابای همزمان با نمایش این آثار و چه در ستایش‌های پردرغ سال‌های بعد، نوشته‌ها درباره فیلم‌های علی حاتمی از کلیشه‌های تولید متن فارسی در ادبیات سینمایی تبعیت کرده و از حل المسائل فیلم‌ها فراتر نرفته‌اند.

کمتر نویسنده فارسی سعی کرده تا فیلم‌ها و سریال‌های علی حاتمی را به عنوان نمونه‌های فارسی درام‌های موزیکال، تاریخی، زندگینامه‌ای، ملودرام‌های عاشقانه و خانوادگی و تریلرهای جنایی از منظر الگوهای ژنریک و دیدگاه قراردادهای قصه پردازی ایرانی و مسیر تکاپوهای شخصی تقسیم و تعریف کند؛ در حالی که این فیلم‌ها و سریال‌ها متون قابل توجهی برای بازخوانی هنر اول داستان گویی فارسی یعنی نقالی فراهم می‌کنند.

در قبض و بسط‌های ژانری و خوانش‌های متکی بر قراردادهای آثار حاتمی مانند نقل‌های یک نفره‌ای هستند که صحنه و بازیگران برایش پرده‌هایی برای مراجعه‌اند. در پرده‌های نقالی به هم ریختگی ابزاری است برای ایجاد فضایی سه پرده‌ای روایی برای نقل تا توجه مخاطبان را به نقاط مختلف پرده سوق دهد. تاریخ و افسانه، در کلیت پرده، شخصیت‌ها و برخوردها در پرده دوم و جغرافیای پرده همراه با سخن‌ها و جزئیات صحنه‌ها و لباس‌ها در پرده سوم، جایی در عمق پرده حاتمی به عنوان نقل - کارگردان موفق ترین نقال و شکست خورده ترین کارگردان در پروژه شخصی اش در باز تولید نمایش ایرانی محسوب می‌شود؛ موفقیت به خاطر ستایشی که نصیب این تلاش شخصی شد و نامش را جاودانه کرد و شکست به دلیل ادامه نیافتن پروژه پس از مرگش توسط کارگردان دیگری. روی سنگ مزارش نوشته‌اند آیین چراغ...

«نیم شب» پر هیاهو

محمد حسین مهدویان با تمام گروهش به پردیس ملت آمد و شلوغ ترین شب جشنواره را رقم زد



عکس نوشت

کاخ آزاد جشنواره

این عکس را مسعود خامسی پور ۱۴ بهمن ۱۳۶۷ در خیابان شهید بهشتی در روزهای برگزاری هفتمین جشنواره بین المللی فیلم فجر از مقابل سینما آزادی تهران برداشته. سینما آزادی و سینما شهر قصه در دهه ۱۳۶۰ قلب تپنده جشنواره‌ها بودند و بیشترین حضور علاقه‌مندان نیش خیابان شهید بهشتی و خیابان خالد اسلامبولی دیده می‌شد؛ محلی برای قرارهای ۱۰ روزه و جایی برای ملاقات با منتقدان و سینماگران، زیر برف و باران و در سرمای که آن سال‌ها همراه همیشه رویدادهای زمستانی بود.

